



علم دینی

سیدمیتهم میر تاج‌الدینی

گفتاری از دکتر مهدی گلشنی

در باب علم دینی در جهان اسلام

علم دینی را باید در سطح کلان طرح کرد، نه در سطوح علمی محدود



آتیچه در ادامه می‌خوانید بخش هایی از مصاحبه دکتر مهدی گلشنی در روزنامه قدس مورخ ۸دی‌ماه ۱۳۸۷است که به مسئله علم در جهان اسلام و علم دینی پرداخته‌اند. دکتر گلشنی در این مصاحبه، تاریخچه ورود علم به ایران را بررسی کرده و راه‌های تولید علم دینی را به بحث می‌گذارد. در ادامه بخش‌هایی از این مصاحبه بازخوانی شده‌است.

تئوری «همه‌چیز» شکست خورده‌است

انتیشتین در جایی گفته بودا اگر دوباره به دنیا می‌آمد، علم فیزیک را انتخاب نمی‌کردم چون به ضرر بشریت است. عده‌ای از بزرگان علمی، دغدغه‌ای ن‌داشته‌اند که جهت‌گیری علم دچار نوسان‌هایی است که به صلاح و خیر بشریت نیست. در مورد محدودیت علم، ابعاد مختلفی مطرح شده‌است. همواره فضایی وجود دارد که راجع به صدق و کذب آن نمی‌توانید بر مبنای اصول علم تصمیم‌گیری کنید. فیزیک‌دانان مدن‌ها به‌دنبال تئوری «همه‌چیز» می‌گشتند اما محدودیت‌های علم این تئوری را با شکست روبه‌رو کرد.

ورود علم جدید به ایران

علم جدید در زمان قاجار به وارد ایران شد. این ورود در فضایی بود که پیشرفت‌های غرب مردم ما را مهیوت خود کرده بود و این امر را مرسوم علم می‌دانستند. در این میان، سخنان سیدجمال‌الدین اسدآبادی زیباست که می‌گفت: علم جدید دنباله علم ماست. در آن دوران از باب ضرورت، دانشجو به فرنگ اعزام شد و علم جدید به مرز ایران ورود پیدا کرد. این بود که استادان غربی، دانشگاه‌های ما را تسخیر کردند. در آن دوران، یوزیتوسیوم بر فضای دانشگاه‌ها حاکم بود و بحث‌های فلسفی و دینی را اصلا مطرح نمی‌کردند. اگر کسی نام خدا را در مسائل علمی می‌آورد، با او مخالفت می‌کردند. استادان ما در غرب تربیت دانشگاهی شده و اگر هم متدین بودند، نیمه دینی ذهن آنان، کاملاً از نیمه علمی مجزا بود، به‌طوری که تفکر غالب بر نظر به‌های علوم تفکری، فارغ از دین و خدا بود.

طرح نظریه علم دینی در جهان اسلام

حدود ۲۰۳ دهه قبل نظریه علم دینی در جهان اسلام، شبیه دغدغه‌ای بزرگ مطرح شد که در جهان غرب نیز مسئله علم مسیحی و علم خدا باور، مورد بحث قرار گرفت. در این میان، از سوی برخی‌ها خصومتی دیده‌می‌شود که می‌گویند مگر علم، دینی غیردینی دارد. این‌ها فقط در علوم انسانی تخفیفی داده و به این تفکیک قائل‌اند، ولی در علوم تجربی، به آنها معتقدند علم فیزیک یا هندسه در همه دنیا یکی است. جالب اینکه «ابو الاعلی مودودی» یکی از متفکران معروف حنفی که در علم بیشتر بعد فلسفی دارد تاجری، نخستین بار مسئله مورد تأملی را مطرح کرد که تفکیک علم دینی و غیردینی بود. به کار می‌برد. برای مثال، از بررسی‌ای از یک نتیجه دارد، از چند بعد قابل بررسی است. گاهی آزمایش‌ها جمع‌آوری اطلاعات و داده‌ها انجام می‌شود و فرقی نمی‌کند که در آمریکا انجام شود یا روسیه. در اینجا داده‌های تجربی می‌تواند یکی باشد اما زمانی که این امر به مقام تعبیر و جمع‌بندی می‌رسد، مهم است که پشتوانه علمی، تفکر الهی باشد یا الحادی.

تفکیک بین علم دینی و غیردینی

چند مرتبه در علم وجود دارد. نخستین گام، رفتن به‌سوی مسئله است پس از آن انجام آزمایش، رسیدن به تئوری و سپس دآوری بین تئوری‌ها برای یافتن نظری‌های واحد باید میان علم نظری و علم عملی تقسیم‌بندی صورت گیرد. می‌توان علم نظری را در جهت علمی موضوع به‌کار برد. برای مثال، از انرژی هسته‌ای، هم می‌توان بمب اتمی ساخت و هم نیرو گاه برق. این همان جهت‌گیری علم است. برخی معتقدند علم فارغ از ارزش‌هاست، در صورتی که این علم می‌تواند آثار تخریبی و یا سازنده داشته باشد. اینجا مهم است که مفهوم پیدا می‌کند. در بسیاری از ادیان، انجام فساد روی زمین به‌صورت عام را نفی می‌کنند. علم دینی در مقام کاربرد از این جهت معنا می‌یابد. در مقام مفروضات نیز در دو سطح می‌توان اهمیت و نقش علم دینی را تشریح کرد: زمانی که مفروضات بنیادی علم مطرح می‌شود، برای مثال علم مورد پیدایش انسان و خلقت جهان، این تفکیک کاملاً نمایان می‌شود. برخی از مفروضات قابلیت آزمایش و تجربه را دارند، اما برخی دیگر اصلاً تجربی نیستند. بخش دیگری از مفروضات، از خارج به علم وارد می‌شوند. این‌ها از نظر فلسفی اثباتی وجود ماده آسان نیست و نظر به وجود ماده از مفروضات است.

علم به‌شدت متغیر است

اگر قرار باشد علوم امروز را براساس آیات قرآنی و روایات اثبات کنیم، بیزراه رفتن است زیرا علم به‌شدت متغیر است. برای مثال، عبدالرزاق نوفلی براساس آیه قرآن «ذره مثقال» را به الکترون نسبت داده، اما هنوز مشخص نیست ذرات کوچک‌تر از الکترون وجود نداشته باشند. به اعتقاد من، درست نیست با تطبیق برخی از موارد متغیر علمی با آیات قرآنی، شأن این کتاب الهی را پایین بیاوریم. زیرا هنوز بسیاری از مسائل روشن نشده‌است. باید مراتب را حفظ کرد. من برای تألیف کتاب «آیا علم می‌تواند دین را نادیده بگیرد؟» سؤالاتی را به عالمان دینی ایدمان مختلف قدیم کردم. یکی از سؤالاتی که مطرح کرده بودم، این بود. آیا علم دینی معنا دارد که استدلال‌های مختلفی از آن به‌دست‌آمد تعریفی که پیش از همه طرف‌دار داشت، این بود که علم دینی بر متفازیک دینی (جهان‌بینی دینی) مبتنی است زیرا ارزش‌ها و اخلاق در آن معنا و مفهوم دارد. علت مطرح‌شدن علم دینی هم از آن جهت ضرورت دارد که علم دارای ابعادیت‌هایی است و پیش‌فرض‌های آن هم متغیر خواهد بود... اگر قرار باشد همه دستاوردهای علمی به روایات و آیات قرآنی نسبت داده‌شود، همانگونه که انشای کرده‌م، کار درستی نیست. ما الگوهایی را داریم برای مثال خواجه نصیر، فعالیت‌های ریاضی فوق‌العاده‌ای دارد و فیلسوف بی‌ظنیری نیز هست، اما او همیشه مقام‌ها را حفظ می‌کرده، فلسفه را وارد معادلات ریاضی نمی‌کرد. موضوع علم دینی را باید در سطح کلان مطرح کرد، نه در سطوح علمی محدود.

اندیته



امکان دستیابی به آینده مطلوب

در علم دینی با آینده‌پژوهی

گفت‌وگو با دکتر سیدمحمد تقی موحد ابطحی پیرامون امکان و ضرورت آینده‌پژوهی علوم انسانی اسلامی در ایران

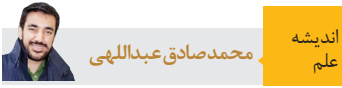
پس از ذکر این مقدمات خوب است **اشاره‌ای هم به دلایل خود مبنی بر امکان مطالعات آینده‌پژوهانه در عرصه علوم داشته باشید.**

بله! دو دلیل بنده بسر امکان آینده‌پژوهی علم به‌معنای عام، علوم انسانی به‌معنای خاص و علوم انسانی اسلامی به‌معنای اخص عبارت‌اند از:

۱. هر پدیده‌ای که ما نسبت به آن اطلاعاتی داشته باشیم و در برخی از قوانین حاکم بر آن را بشناسیم و بتوانیم عوامل دخیل در آن پدیده را دستکاری کنیم، می‌تواند موضوع مطالعات آینده‌پژوهانه قرار گیرد و هر چه اطلاعات ما از آن پدیده و قوانین مرتبط با آن بیشتر باشد، احتمال اینکه بتوانیم تصویر بهتری از آینده آن داشته باشیم بیشتر است و در ادامه هر چه نظام ارزشی ما غنی‌تر و سامان‌یافته‌تر و بهره‌گیری ما از نعمت خدادادی خلقتی افزون‌تر باشد، امکان ترسیم یک آینده مطلوب روشن و برنامه‌ریزی برآیند دستیابی به آن افزون‌تر خواهد بود.

حال درباره‌امکان آینده‌پژوهی علم به‌معنای عام، یا هر یک از شاخه‌های علمی به‌معنای خاص می‌توان گفت مطالعات علم‌شناسانه (تاریخ علم، فلسفه علم، جامعه‌شناسی علم، اقتصاد علم، روانشناسی علم، پدیدارشناسی علم و...) که در سده گذشته در عرصه بین‌المللی شکل گرفته و گسترش و تعمیق یافته، دید خوبی نسبت به علوم و گذشته آن و برخی قوانین حاکم بر آن در اختیار ما قرار داده‌است. به استناد این اطلاعات ما می‌توانیم پیش‌بینی‌ای درباره آینده علوم داشته باشیم. البته باز هم تأکید می‌کنم، پیش‌بینی در عرصه پدیده‌های انسانی و اجتماعی به‌دقت پیش‌بینی در پدیده‌های طبیعی که دانش جالفتاده‌ای در ارتباط با آن وجود دارد (برای مثال فیزیک) نیست. اما چنان هم نیست که ما نتوانیم هیچ تصویری از آینده علوم داشته باشیم. همین استدلال را می‌توان درباره علوم انسانی به‌عنوان یک شاخه از علم و علوم انسانی اسلامی به‌عنوان یک رویکرد یا گرایش یا شاخه خاص از علوم انسانی مطرح کرد.

در فلسفه می‌گویند: «دل دلیل علی امکان شیء و وقوعه» بهترین دلیل برای اثبات امکان چیزی، نشان‌دادن وقوع آن است. ممکن است کسی یا مقدمات استدلال بالا و بالطبع با نتیجه آن موافق نباشند. اگر می‌توانم نمونه‌هایی از آینده‌پژوهی در حوزه علوم را در عرصه ملی و بین‌المللی نشان دهم، نشان داده‌ام که آینده‌پژوهی در عرصه علوم ممکن بوده که تحقق یافته‌است. یادداشت «پنده و روانشناسی در ایران» (۱۳۴۳) اثر دکتر مرتضی نصفت قدیمی‌ترین یاداشتی است که در آن آینده یک رشته علمی مورد توجه قرار گرفته است. تفصیلی‌ترین فعالیت آینده‌پژوهانه کشور «نشسه جامع علمی کشور» است که در سال ۱۳۴۶ با تصویب رسید. از دیگر آثار آینده‌پژوهانه آن داشته باشیم، البته باید توجه داشت که به‌دلیل تعدد و تنوع عوامل دخیل در تحولات جامع، آیا آینده به‌صورت دقیق قابل پیش‌بینی نیست، اما باید توجه داشت که آگاهی از واقعیت‌هایی که ریشه در گذشته و حال دارند، می‌تواند آینده را به‌صورتی غیرقطعی بسزای ما به تصویر می‌کشد. در ادامه کنشگران فردی و جمعی می‌توانند پس از تصور آینده‌های ممکن و محتمل و ترسیم آینده مطلوب، برای دستیابی به آینده مطلوب برنامه‌ریزی داشته باشند. پس در آینده‌پژوهی ما آکار انجام می‌دهیم: ۱. مطالعه علمی و روشمند درباره چگونگی آینده و ترسیم آینده‌های ممکن که از آن با عنوان



اندیشه علم محمدصادق عبداللهی

موضوع علم دینی یکی از دغدغه‌های جدی نظام جمهوری اسلامی ایران بوده که به‌واسطه آن در ۴ دهه گذشته مراکز متعدد آموزشی، پژوهشی، سیاستگذاری و... تاسیس شده‌اند تا چنین هدفی را محقق کنند. با توجه به اینکه اکثر

قرب به اتفاق این مراکز از بودجه عمومی کشور استفاده می‌کنند، جا دارد بحثی در ارتباط با آینده این ایده در کشور داشته باشیم تا به‌واسطه تصویری که از آینده این موضوع در کشور به‌دستی می‌آید، سیاستگذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها در این حوزه همسو با تحلیل‌های اقتصادی نیز باشد. متأسفانه با وجود اهمیت موضوع علم دینی در کشور تاکنون مطالعات کارشناسانه‌ای

در ارتباط با آینده علم دینی و اقتصاد علم دینی در ایران انجام نشده‌است. در گفت‌وگویی که با دکتر سیدمحمد تقی موحد ابطحی، عضو هیات علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، داشته‌ایم به بحث حول آینده علوم انسانی اسلامی در ایران پرداخته‌ایم و ان‌شاءالله در گفت‌وگویی دیگر بحث اقتصاد علم دینی را دنبال خواهیم کرد.

با توجه به صبغه فلسفه علمی

جنابعالی به‌عنوان نخستین سؤل خوب است اصل امکان آینده‌پژوهی علوم را مطرح کنیم. بی‌شک این پرسش یک پرسش آینده‌پژوهانه نیست، بلکه یک پرسش مقدماتی و فلسفی است در ارتباط با اینکه چه اموری می‌تواند/ نمی‌تواند موضوع آینده‌پژوهی قرار بگیرد. پاسخ‌دادن به این پرسش از آن جهت اهمیت دارد که وقتی به ادبیات آینده‌پژوهی نگاهی می‌اندازیم، این ادبیات بیشتر در ارتباط با فناوری‌هاست. به عقیده جنابعالی آیا اصولاً آینده‌پژوهی علوم امکان دارد؟ و آیا تاکنون در این زمینه تحقیقاتی در عرصه ملی و بین‌المللی انجام شده است؟

پرسش خوبی است. به‌خاطر دارم چند سال پیش در پژوهشگاهی طرحی در ارتباط با آینده‌پژوهی علم دینی پیشنهاد شد. برخی از استادان با این استدلال که چنین موضوعی نمی‌تواند در آینده‌پژوهی مطالعه بشود، با آن طرح مخالفت کردند. این در حالی است که به گمان بنده، علم، علوم انسانی، علم دینی، علوم انسانی اسلامی و حتی هر یک از شاخه‌های آن، مثلاً روانشناسی اسلامی، جامعه‌شناسی اسلامی، اقتصاد اسلامی و... می‌توانند محور مطالعات آینده‌پژوهانه قرار گیرند. من برای این باور خود دلایل دارم. قبل از بیان این دو دلیل خوب است به اختصار هر چه تمام بگویم که مراد من از آینده‌پژوهی چیست؟ البته این یک تعریف شخصی نیست و در ادبیات آینده‌پژوهی مطرح است. در آینده‌پژوهی به استناد اطلاعاتی از گذشته و حال و قوانین حاکم بسر پدیده‌های طبیعی و انسانی و اجتماعی می‌گوئیم تصویری از آینده به‌دست آوریم تا مواجهه‌ای هوشمندانه با آن داشته باشیم، البته باید توجه داشت که به‌دلیل تعدد و تنوع عوامل دخیل در تحولات جامع، آیا آینده به‌صورت دقیق قابل پیش‌بینی نیست، اما باید توجه داشت که آگاهی از واقعیت‌هایی که ریشه در گذشته و حال دارند، می‌تواند آینده را به‌صورتی غیرقطعی بسزای ما به تصویر می‌کشد. در ادامه کنشگران فردی و جمعی می‌توانند پس از تصور آینده‌های ممکن و محتمل و ترسیم آینده مطلوب، برای دستیابی به آینده مطلوب برنامه‌ریزی داشته باشند. پس در آینده‌پژوهی ما آکار انجام می‌دهیم: ۱. مطالعه علمی و روشمند درباره چگونگی آینده و ترسیم آینده‌های ممکن که از آن با عنوان



امکان دستیابی به آینده مطلوب

در علم دینی با آینده‌پژوهی

گفت‌وگو با دکتر سیدمحمد تقی موحد ابطحی پیرامون امکان و ضرورت آینده‌پژوهی علوم انسانی اسلامی در ایران



پس از ذکر این مقدمات خوب است **اشاره‌ای هم به دلایل خود مبنی بر امکان مطالعات آینده‌پژوهانه در عرصه علوم داشته باشید.**

بله! دو دلیل بنده بسر امکان آینده‌پژوهی علم به‌معنای عام، علوم انسانی به‌معنای خاص و علوم انسانی اسلامی به‌معنای اخص عبارت‌اند از:

۱. هر پدیده‌ای که ما نسبت به آن اطلاعاتی داشته باشیم و در برخی از قوانین حاکم بر آن را بشناسیم و بتوانیم عوامل دخیل در آن پدیده را دستکاری کنیم، می‌تواند موضوع مطالعات آینده‌پژوهانه قرار گیرد و هر چه اطلاعات ما از آن پدیده و قوانین مرتبط با آن بیشتر باشد، احتمال اینکه بتوانیم تصویر بهتری از آینده آن داشته باشیم بیشتر است و در ادامه هر چه نظام ارزشی ما غنی‌تر و سامان‌یافته‌تر و بهره‌گیری ما از نعمت خدادادی خلقتی افزون‌تر باشد، امکان ترسیم یک آینده مطلوب روشن و برنامه‌ریزی برآیند دستیابی به آن افزون‌تر خواهد بود.

حال درباره‌امکان آینده‌پژوهی علم به‌معنای عام، یا هر یک از شاخه‌های علمی به‌معنای خاص می‌توان گفت مطالعات علم‌شناسانه (تاریخ علم، فلسفه علم، جامعه‌شناسی علم، اقتصاد علم، روانشناسی علم، پدیدارشناسی علم و...) که در سده گذشته در عرصه بین‌المللی شکل گرفته و گسترش و تعمیق یافته، دید خوبی نسبت به علوم و گذشته آن و برخی قوانین حاکم بر آن در اختیار ما قرار داده‌است. به استناد این اطلاعات ما می‌توانیم پیش‌بینی‌ای درباره آینده علوم داشته باشیم. البته باز هم تأکید می‌کنم، پیش‌بینی در عرصه پدیده‌های انسانی و اجتماعی به‌دقت پیش‌بینی در پدیده‌های طبیعی که دانش جالفتاده‌ای در ارتباط با آن وجود دارد (برای مثال فیزیک) نیست. اما چنان هم نیست که ما نتوانیم هیچ تصویری از آینده علوم داشته باشیم. همین استدلال را می‌توان درباره علوم انسانی به‌عنوان یک شاخه از علم و علوم انسانی اسلامی به‌عنوان یک رویکرد یا گرایش یا شاخه خاص از علوم انسانی مطرح کرد.

در فلسفه می‌گویند: «دل دلیل علی امکان شیء و وقوعه» بهترین دلیل برای اثبات امکان چیزی، نشان‌دادن وقوع آن است. ممکن است کسی یا مقدمات استدلال بالا و بالطبع با نتیجه آن موافق نباشند. اگر می‌توانم نمونه‌هایی از آینده‌پژوهی در حوزه علوم را در عرصه ملی و بین‌المللی نشان دهم، نشان داده‌ام که آینده‌پژوهی در عرصه علوم ممکن بوده که تحقق یافته‌است. یادداشت «پنده و روانشناسی در ایران» (۱۳۴۳) اثر دکتر مرتضی نصفت قدیمی‌ترین یاداشتی است که در آن آینده یک رشته علمی مورد توجه قرار گرفته است. تفصیلی‌ترین فعالیت آینده‌پژوهانه کشور «نشسه جامع علمی کشور» است که در سال ۱۳۴۶ با تصویب رسید. از دیگر آثار آینده‌پژوهانه آن داشته باشیم، البته باید توجه داشت که به‌دلیل تعدد و تنوع عوامل دخیل در تحولات جامع، آیا آینده به‌صورت دقیق قابل پیش‌بینی نیست، اما باید توجه داشت که آگاهی از واقعیت‌هایی که ریشه در گذشته و حال دارند، می‌تواند آینده را به‌صورتی غیرقطعی بسزای ما به تصویر می‌کشد. در ادامه کنشگران فردی و جمعی می‌توانند پس از تصور آینده‌های ممکن و محتمل و ترسیم آینده مطلوب، برای دستیابی به آینده مطلوب برنامه‌ریزی داشته باشند. پس در آینده‌پژوهی ما آکار انجام می‌دهیم: ۱. مطالعه علمی و روشمند درباره چگونگی آینده و ترسیم آینده‌های ممکن که از آن با عنوان

گفت‌مان اسلام

راه، منحصرأ علم است و علم



آیت‌الله شهید مرتضی مطهری: اگر می‌خواهیم از نابه‌سامانی‌ها نجات پیدا کنیم و ضربه بر پیکر اسلام وارد نشود، اگر می‌خواهیم دین صحیح داشته باشیم، اگر می‌خواهیم از فقر رهایی یابیم، اگر می‌خواهیم از مرض نجات پیدا کنیم، اگر می‌خواهیم عدالت در میان ما حکمفرما باشد، اگر می‌خواهیم آزادی و دموکراسی داشته باشیم، اگر می‌خواهیم جامعه ما برخلاف حال حاضر به امور اجتماعی علاقه‌مند باشد، منحصرأ راهش علم است و علم.

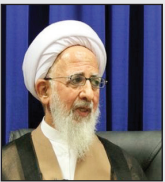
آن علمی که عمومیت داشته باشد و از راه دین به‌صورت یک جهاد مقدس در آید. اگر ما این جهاد مقدس را شروع نکنیم، دنیا خواهد کرد و ثمرماش را هم خود آنها خواهند برد، یعنی دیگران خواهند آمد و ملت ما را از گسرداب جهالت نجات خواهند داد و خدا می‌داند که آن وقت این کوتاهی ما، چه لطمه بزرگی به پیکر اسلام وارد خواهد کرد.

شکی نیست که علم به تنهایی ضامن سعادت جامعه نیست. جامعه دین و ایمان لازم دارد. همانطوری که ایمان هم اگر مقرون به علم نباشد مفید نیست بلکه وبال است و اسلام نه عالم بی‌دین می‌خواهد، نه جاهل دیندار.

منبع: کتاب ده گفتار، صفحه ۱۸۶

اندیشه نفیس

وقتی علم به لاشه علم تبدیل می‌شود



آنچه در ادامه از نظر می‌گذرد بخشی از سخنرانی آیت‌الله جوادی آملی در دوازدهمین گردهمایی استادان علوم عقلی است که در آبان‌ماه ۱۴۰۰ برگزار شده است. آیت الله جوادی آملی در بخشی از سخنان خود می‌فرماید: تأسیس فلسفه الهی برای تربیت و هدایت علوم است تا علوم را اسلامی کند چرا که فلسفه الهی ثابت می‌کند این نظام سپهری، مبدأ، غایت، نظم و نظام دارد؛ می‌گوید کل موجودات تکلم الهی است و نه کلام الهی، کلام قابل ضبط است و می‌تواند جدا از متکلم باشد اما تکلم وابسته مطلق به متکلم است و بدون متکلم کلامی هم قابل تصور نیست. پس علم وقتی علم است، که این مثلث را مثلث ببیند و آن را مثلث نکند؛ که آفرید؟ چرا آفرید؟ و چه آفرید؟ در حالی که تفکر سکولار غرب، این مثلث الهی را مثلث کرده و اینگونه علم را به لاشه علم تبدیل کرده‌است. این علم مرده، هیچ کس را عالم نمی‌کند و نتیجه‌ای جز جنگ‌های جهانی و جنگ‌های نیابتی در بی‌ندارد. فلسفه الهی، علم مرده را زنده می‌کند و آن علم زنده را به حرکت در مسیر حق وامی‌دارد. پس نخستین رسالت فلسفه الهی، همانا تربیت، احیا و تهذیب علوم است. آنگاه در سایه این حرکت، فلسفه علمي هم سامان می‌پذیرد. رسالت استادان علوم عقلی این است که دانش و حکمت و فلسفه در غرب را بررسی، مطالعه و به سؤالات آنان پاسخ دهند تا از برکت این مهم، علم در غرب زنده شود.

کتاب اندیشه

گفتارهایی در علم دینی



کتاب «گفتارهایی در علم دینی» که به همت بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق (ع) به انتشار رسیده‌است دربردارنده بیش از ۲۰ گفتار در باب علم دینی از استادان و چهره‌های مطرح در حوزه علم دینی است. این کتاب در سه بخش «گفتارهایی در علم دینی»، «گفتارهایی در علم جدید» و «گفتارهایی در فلسفه علم» تنظیم شده است. در فصل نخست ۱۷ گفتار از استادانی همچون دکتر عادل پینغاهی، دکتر حسین سوزن‌چی، دکتر حمید پارسانیا، استاد مصطفی ملکیان، حجت‌الاسلام احمد ره‌دار و عطالله بیگلری با موضوعاتی از قبیل نسبت علم و دین، بایسته‌های تولید علم دینی، ساختار معرفت دینی، مطالعات میان‌رشته‌ای و آسیب‌شناسی نظام علمی کشور، به چاپ رسیده‌است. در بخش دوم نیز دو گفتار «ماهیت بحران‌زای علم جدید» از دکتر حسین کوچویان و «معر که پیهود علم مسیحی» از دکتر ابراهیم فیاض‌هستیم، بخش سوم نیز دربردارنده سه گفتار در باب فلسفه علم از حجت‌الاسلام دکتر حسین سوزن‌چی و «فرهنگ بسیجی در نهضت علمی» از دکتر محمدصادق کوشکی است.

در مقدمه این کتاب آمده: «فراغ از نظریات مختلفی که در این زمینه هستند؛ حرکت به سمت مطرح‌شدن این سخن‌مباحث امری لازم و ضروری است چرا که دل‌این تباہل نظریات و مطرح‌ونقد شدن آنها نگاه اسلامی و دقیق‌تر به علم برای این حرکت تمدنی نمایان می‌شود».

این کتاب را علاوه بر کتابفروشی‌های می‌توانید از نرم‌افزار کتابخوان طاقچه تهیه فرمایید.